

الْعَظِيمُ حِفَّانَهُ لَا يَغْفِرُ كُلَّ ذَنْبٍ إِلَّا عَظِيمٌ فِي پِسْ هُرْ كَه اِین عمل را
 بُجا آور دِمْ حُوكَمَدْ حق تعاَلَى از دِمْ قَتَاد دِمْ دِه زَرگَناه را مُثُل آن حُسْنَه
 دِه نَامَه عمل دِبُنُویس دِمْ حُوكَمَد از پِرس دِه دِشْ قَتَاد دِه زَرگَناه را و
 صَاحِب رُوحَة الاذْكَار رُوحَة کَه سُنت است در این شب سِرِّ مرتبه
 سُورَه لَيْلَه خواندن یکی بِجَهَت وسعت زرق و ذوم بجهت مزید عِزَّت و
 بجهت مغفرت و ابعاد سِرِّ مرتبه این دِه بخواند لِسْتَ حَالَهُ الْأَعْمَلُ
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَنْكِنْتُ كَتَبَتْ أَسْمَئِي فِي دِيوَانِ السُّعَدَاءِ
 فَلَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ وَلَكَ أَنْكِنْتَ كَتَبَتْ أَسْمَئِي فِي
 دِيوَانِ الْأَشْقَيَاءِ فَالْحَمْدُ وَلَكَ اللَّهُمَّ فِي دِيوَانِ السُّعَدَاءِ فَلَكَ
 أَنْكِنْتَ كَتَبَتْ وَلَكَ شَرِيكَتْ وَلَكَ عِنْدَكَ أَمْ الْكِتَابِ شَرِيكَتْ زَرَه
 سید ابن طاؤس رَحْمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَبَرَّهُ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَبَرَّهُ
 کَه هُرْ کَه بِگَذَار دِرِشب شانزدهم شعبان دِوَرَعَت نَماز و بخواند در سِرِّ مرتبه
 فَاتَّحَرَ الْكِتَابِ یک مرتبه و قَلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ پَارِزَه مرتبه بِرَسْتَیکَه خدا نَعَمَه
 تعاَلَى بِمَنْ فَرِودَه کَه هُرْ کَه بِگَذَار دِاین نَماز اعطا می کنم با و مانند چیز کَه
 حَطَّا کَه دَه اَم اَنْزَلَه پَیَّنَه بَرِّه و بنای می کند خدا نَعَمَه تعاَلَى از بَرَے او
 نَهَر قَصْر دِرِشب شَرِيكَتْ هَفَدَه هَم سید این طاؤس لِوَاللَّهُ عَزَّلَه
 هَرَقَه دِرِكتَاب مذکور از اَن حضرت مَه آورَدَه کَه هُرْ کَه بِگَذَار دِرِشب هَفَدَه

شبان و در گفت ناز و بخواند و هر چندی فاتحه الکتاب کیم تپول یا اللهم احمد و هفتاد کلم
 و چون از نماز فارغ شود استغفار کن و هفتاد مرتبه پسندید و از جای خود
 ناگفکر بایم ز دخدا را تعلیم اور او را نوشتہ علی شود برآورده گنائی
 شب هیجدهم سید ابن طاووس حمله اللهم در کتاب اقبال
 از اخضرت مرا آورده که هر که بگذرد در شب هیجدهم شعبان و در گفت
 ناز و بخواند و هر چندی فاتحه الکتاب کیم مرتبه و قل یا اللهم اصفح
 مرتبه بیکی آرد خدا را تعلیم ابلیس اور هر حاجتی را که طلب کنید
 در آن شب و گزرشق باشد سعید رسیده اند اور اگر بپیر و کان
 سال پیرو شهید شب نوزدهم سید ابن طاووس در کتاب
 مذکور از اخضرت آورده که هر که بگذرد از شب نوزدهم شaban و در گفت
 ناز و بخواند و هر چندی فاتحه الکتاب کیم مرتبه و قل اللهم مالک
 الملک توئی الملک من لشام و تلزیع الملک هم من
 لشام و تلزیع من لشام و تلزیع من لشام عیینک الحنید
 لعینک حمله اکل شیعه عدوی و کوچه الکیل فی النهار و دوسری و
 النهار فی الیل و تخریب الحی من المیت و تخریب
 من الحی و تخریب من لشام و تلزیع من لشام پسندیده ای ام زید
 حق تعالیٰ حجع کتابان گزنشتہ و آمیندہ اور اوقیوال می کند هر نماز را که

بعد ازان بگذرد و اگر خیلی پیش باشد پرتو ماوراء را و راش برمی آورد آنها را در
 آتش شب بسال تحریر این طاووس روح در کتاب مذکور را اخوند
 آورده که هر که بگذرد از در شب بتهم شعبان چهار رکعت نماز و نجواند در هر کنایت
 فاتحه الکتاب یک مرتبه و اذاجه را لفظ ارشاد یافته و هر ترتیب قسم مذکور است که
 بر این نخست است مرابستی به پنجه که بر بُنی آید از دنیا ساخته اند که به پنجه
 مرا در خواب می بینید جای خود را درشت و محنتور می شود با کسانی که نیکو کتاب
 بسته یک مرتبه این طاووس روح در کتاب مذکور را اخوند آورده که هر که بگذرد
 در شب بسته یک مرتبه این شعبان رشت رکعت نماز و نجواند در هر کنایت فاتحه الکتاب و
 قل هوا اللہحد و ملاعنه لامی لویسید خدا نے تعالیٰ از برآمی او بعد در گل
 آسمان حنات را بینند می کنند از برآمی او بعد کناره جبار را محو کنند از و بعد دکانها
 گذاشتن را شنبه نیست و دو همیارین طاووس روح در کتاب مذکور ازان
 حضرت آورده که هر که بگذرد در شب بسته دو مرتبه این شعبان دو رکعت نماز و نجواند
 در هر کنایت فاتحه الکتاب یک مرتبه و قل هوا لیا لکا فرون یک مرتبه قل هوا لیا
 احمد بن زرده مرتبه مینویسید خدا نے تعالیٰ نام او را نامهای راست گویان می آیند
 روز قیامت در زمرة پیغمبر این خواهد بود در مردم خدای تعالیٰ شب بسته سوچ
 پیده بخوار روح در کتاب بسته کور را اخوند آورده که هر که بگذرد در شب بسته سوچ
 سی رکعت نماز و نجواند در هر کنایت فاتحه الکتاب یک مرتبه و اذاجه را لذلت الارض بینند

خود بیکرو اندھر اسے تھا لے ازول او کینہ و خیانت راشیت
 و چھارہ رسید ابن طاؤس در کتاب مذکور ازا خضرت او روہ که ہر کو
 بگزار و دشپ بست و چهارم شعبان دور کعت نماز و سخواند و سہر کتعے
 فاتحہ الکتاب کیک مرتبہ واذا جبار لظرالله والفتح وہ مرتبہ آزادگر و اندھر اسے
 تھا لے اور انا آتش و نجات و بد انز خدا ب قبر شب بست و پنج
 سید بن طاؤس در کتاب مذکور ازا خضرت او روہ که ہر کو بگزار و دشپ
 بست و پنجم شعبان دور کعت نماز و سخواند و سہر کتعے فاتحہ الکتاب و
 المکمل الشکار اعطامی کند خدا اے تھا لے با ولائب جماعت کے امر حرم
 پنھی از منکر می کند ولائب ہفتاد پنیر شب بست و سیشم سد
 ابن طاؤس در کتاب مذکور ازا خضرت آور روہ که ہر کو بگزار و دشپ بست و
 شعبان دور کعت نماز و سخواند و سہر کتعے فاتحہ الکتاب کیک مرتبہ واکیہ من
 الرکوں وہ مرتبہ عافیت می بخشدا و راحدا اے تھا لے ازا فتحہ اے دینا
 و آخرت و عطا می کند اور اشش لور و روز قیامت شب بست
 و هفدهتر رسید ابن طاؤس رحمہ اللہ در کتاب مذکور ازا خضرت آور روہ
 سہر کو بگزار و دشپ بست و سیشم شعبان دور کعت نماز و سخواند و سہر
 فاتحہ الکتاب کیک مرتبہ سیچ آسمہ کب الاعلی وہ مرتبہ می تو رسید خدا اے تھا لے
 از برائے اوہ نہار غرایس نہ راوی و موسیکردا از وہ نہار تہرا گناہ را و بلند رسید از برائے

هزار هزار در جهار دو می ایوانند او را تاجی از نور مشب لبست و هشتتم سید
 بن طاؤس ح و دکتاب مذکور از اخضرت آورده که هر که گذارد در شب برق
 هشتتم شعبان چهار رکعت نماز و نجوا مدر هر رکتے فاتحه الکتاب و قل هوا الله
 و حمودتین را مبعوث می کند خدا سے تعالیٰ اور از قبر در حالیکار روی او
 مثل باهشب چهارده باشد و در می کند ازو ہولہای روز قیامت امشب
 لبست و لنههم سید ابن طاؤس و دکتاب مذکور از اخضرت آورده
 که هر که گذارد در شب لبست و لنههم شعبان و هر رکعت نماز و نجوا مدر هر رکع
 فاتحه الکتاب کیک مرتبہ والملک العکاظ زده مرتبہ و حمودتین وہ مرتبہ
 و قل هوا الله احد وہ مرتبہ عطا می کند اور اخدا سے تعالیٰ التواب
 جبار کفندگان و سنگین می گرداند تران و سے عمل و راویک سیکنده
 بر و حساب او سیگز رو بصر اط ماند بر ق در خشیده شب سی امام سید بن
 طاؤس حمد الله و دکتاب مذکور از اخضرت هم آورده که هر که گذارد در شب سی امام
 شعبان و رکعت نماز و نجوا مدر هر رکتے فاتحه الکتاب و دو مرتبہ سیک
 الاعله چون از نماز فارغ شو و صلوات بفرستند صد مرتبہ قسم نیانست که
 بیوت کرده است مرا به راستی پیغمبر کے خدا سے تعالیٰ بلند می کند از
 پایے او هزار هزار شهر اور بیست نیم و اگر جمع شوند اهل سماں ہاڑتین
 پیغمبر دن انزوا بگذارند این نماز هزار نسخہ عا جزا آئند و برمی آرد

حدیثے تھا کہ از بارے اوہ نہ راجحت اعمال مشرک کے ایسا معا
 شعہان شیخ ناصر طوسی حملہ اللہ در کتاب پر صلح متوجہ آور وہ کہ حضرت
 امام زین العابدین علیہ السلام دعائی فرمودند وقت زوال ہر روز اس عصر
 و در شب شیریہ آن پر صلوات اللہ ہم صلی اللہ علی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ شیخ
 النبُوَّةِ وَمَوْضِعِ الرِّسَالَةِ وَفُخْلَفَ الْمَلَكُوكَ وَمَعْدَنُ الْعِلْمِ
 هَلْ تَهْبِيَ الْوَحْىَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَفْلَاتِ الْجَارِيَةِ
 الْجَنَّى الْغَافِرَةَ تَبَارَكَ مَنْ حَرَّكَهَا وَلَمْ يَغْرِقْ مَنْ تَرَكَهَا الْمُتَقْدِرُ
 لَهُمْ مَارِقُ وَالْمَتَّا خَرُّعَنْهُمْ زَاهِجُ وَالْلَازِدُ لَهُمْ لَاهِيَ الْلَهُ
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَهْفُ الْحَصَينِ وَغَيَاثُ الْمُضْطَرِ
 لِلْمُسْكِنِ وَمَلْيُ الْهَارِبِينَ وَمَجْنُونُ الْخَائِفِينَ وَعِصْمَةُ
 الْمُعْتَصِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَوةً كَبِيرَةً
 كَبِيرَةً تَكُونُ لَهُمْ مِرْضَانًا وَلَهُمْ مُحَمَّدٌ قَالَ مُحَمَّدٌ حَمَدُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ
 يَعْوِلُ مِنْكَ وَقُوَّةً يَأْتِي بِالْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 قَالَ مُحَمَّدٌ طَلَبِتِي إِنَّكَ لَا تَبْرَأُ لِكَخْيَارِ الدِّينِ أَوْ جَبَتِ
 لَهُمْ حُقُوقُهُمْ وَمَوَدَّتِهِمْ وَرَضِتَ طَلَعَتِهِمْ وَرَدَأَتِهِمْ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْمِرْ قَلْبِي
 بِطَلَعَتِكَ وَلَا تُخْرِي بِمَعْصِيَتِكَ وَارْزُقْنِي بِمَا سَأَدَّ

من قدرت عليه من رزقك بما وستكت على من
 فضلوك ونكرت على من عدلك وأحييتك تحت
 ظلك ولهذه شهرته سيد رسول شعبان الذي
 حفته منه بالرحمة والرضوان الذي كان رسول الله
 صلى الله عليه وآله يدا في صيامه وقيامه فياليه
 وآياته نجوا لك في أيامه وأعظماته إلى محل
 حساميه اللهم فاعملني لاستكان بيته فيه
 ونيل الشفاعة ولديك اللهم فاجعله لي شفيعا
 مشفعا وطريقا إليك منيعا واجعلني له متعالها
 الفلك يوم القيمة وهي راضيا عن دنيوي أضيق
 أو كجهت لي منك الرحمة والرضوان وأنزلتني دار
 المقلد ومحل الكinar وهو وليست كدر صبح وشام وما شاء
 الله ما بناه ما شاء الله توجها إلى الله ما شاء الله
 تعبد الله ما شاء الله استكان به لله ما شاء الله نضر عما
 إلأى الله ما شاء الله تعبد الله ما شاء الله تلطف به الله ما شاء
 الله ما شاء الله إلأى الله ما شاء الله إلأى الله ما شاء الله لا حول
 ولا قوة إلا بالله العلى العظيم أعمال وزر ابتدأ بأبي هريرة

از حضرت صادق ع منقول است که هر که روز اول ماه شعبان را روزه
 دارد سبب برآوردن اجنبی گردیده و آن حضرت امام رضا ع منقول است
 استحباب روزه سه روز اول و سه روز میان و سه روز آخر ماه و شیخ زینه مفیده
 آن روزه که در روز سیم شعبان در سال چهار از پیغمبر حضرت امام حسین ع متولد
 شدند و شیخ زینه طوسی روایتی نقل کرده است که در روز ولادت سید الشهداء در
 چهلمین ماه است هرگاه احتیاطاً عمل و زیم ان خصوصیات بیارت
 آن حضرت درین روز هم بجا آوردند هبتوس است و نایز شیخ بنده معتبر از
 حضرت صادق ع روایت کرده است که حضرت امیر المؤمنین ع در شب ششم ماه
 شعبان متولد شده اند اگر رضایافت مشهور است چنانچه در ماه حرب کوثر شد
 اما بر فوق این روایت اگر روزه وزیارت سامرا اعمال خوب درین روز عمل
 آور ندانست و اعمال ایام العیض ماه شعبان عنی سینه هم و
 چهار رسم و پانزده رسم چنانچه در اعمال ماه حرب کوثر شد عمل آن روز از حضرت
 امام رضا ع منقول است که رقیبه این ماه و در جمعه آخر استغفار بیار کن
 و از نظام المپرسون آئی و از خدا تبرس و کمیته همین را از دل بیرون کن
 در روزه این ماه را وصل کن به ماه رمضان و بسیار بخوان درین ایام
 این دعای آللہکم لذت کن غفران لذت لذت فیتما
 مَصْنَعِي مِنْ شَعْبَانَ فَاعْمِلْنَاهُ فِيمَا لَعْنَى مِنْهُ

فصل سو در احکام مسوت و خسوف و فضائله مبارک
 رمضان وسائل ضروری و اعمال آن پدائلکه هرسال که در ما و
 رمضان المبارک آفتاب بگیر و مردمان همچنین با او شاه فارس اطاعت
 کند و در هر روز عرب غلبه عظیم بهم رسید ایشان پر مروم غالب
 شوند و غنیمت بسیار از ایشان بگیرند و اما آندر ماه گرفتن پی هرسال که
 در شهر رمضان ماه بگیر در بلاد حبل سرا سخت شود و باران و برق بسیار
 باشد و در میان فارس دندگان بمحسنده و در شهر را مرگ نان اطفال ایشان
 بمحسنده فضائل که در رمضان در وسائل زیارت ایلیه محسن علیه السلام
 منقول است که رسول خدا هم یکی از خطب خواند و فرمودایها انسان تحقیق
 بر شما مهی رسانیده است که پر است از برکت و محبت و مغفرت و
 و مهی است افضلترین ماه هما و روز شنبه روزهای شنبه عده
 ترین شبها و ساعتش نیکو ترین ساعتها و ماهیست که شما همان خدای
 نفس شما تسبیح خواهید کرد و عمل شما مقبول و دعائے شما مستجاب
 است پس روال کنید از معبود خود رصد قریب و صفاتی قلب توفیق
 در شمار ابرای روزه گرفتن و تلاوت قرآن تحقیق که شفیعی کسی است که از
 محبت خدار دین ماه بزرگ محروم ماند و یاد کنید بگرسنگی و شنگی خود بادرد
 ماه گرسنگی شنگی روز قیامت را ولی قدر و سکینه ای خود را صدق کنید و یعنی هم

پیران خود را در حکم کنید برخور و ای خود و بر اقارب و اعزام رافت و عطف
 کنید و زبان و پشم و گوش خود را محفوظ دارد یا از منیات شرعیه و توکل کنید از
 گناهان خود و دعا طلب کنید از حق تعالیٰ با وفات ناز بچگانه چرا که درین
 اوقات معبود پر حق نظر حست بر بندگان هیفرای پس فوکا استجاب میشود و آنکه
 باشید که نفسهای شما گرد کرده ای شاست پسین را در پیش خود را باستغفار
 و پشتیای شما گرانباشد از عمل بدشما پس کب کنید بطول بجود و بدانید که او نیک
 فشم خورد و داشت بعزمت خود اینکه هرگز عذاب بخواهیم کرد بر نماز گذار نگران
 و سعید کنید گان و سخا هتر سانید بر وزر قیامت از آتش جهنم ایها انسان
 کیک از شما انتظار نماید مون روزه دار را درین ماه لوابیش ایشت که
 یک بند و در راه خدا آزاد کرده و گناهان گذشته آمر نماید شوند پس عرض
 کرد کسی پار رسول احمد ص ما هم قاد نشیم بین امری پی فرود آگه چه کیک جزء
 اب باشد ایها انسان کیک درین ماه خلق خود را نکو کنید بضراط آسانی
 آگه زد و نوزدی که قدیمی مردم لغش کنند و کیک درین ماه بر غلام و
 کنیز خود تخفیف نماید و سختی نکنید بر وزر قیامت حساب برآسان خواهید
 شد و هر که درین ماه شر خود را از مردم بازدارد حق تعالیٰ عضیب خود را
 در قیامت از و بازدارد و هر که درین ماه نیمی را گرامی دارد خدا اور را
 در قیامت گرامی دارد و کیک درین ماه صله و احسان کند حق تعالیٰ

بروز قیامت پر احسان کند و کسی که درین ماه قطعه رحم کند حق نهادن بود
 قیامت از حرمت خود و درگرداند و کسی که درین ماه نماز نماید او کشیده است
 از آتش دوزخ بتوسید و کسی که درین ماه فرضیه ادا کند تو البش برآید
 هفتاد و نظریه باشد و کسی که درین ماه بسیار صلوات فرستد همن و کل من
 پا به بین انش گران باشد بر وزیر که تپه های دیگران سبک باشند و پر که
 درین ماه کیک آی قران تلاوت کند لذاب خشم قران را رد آیها انس
 در های جنت درین ماه کشاده اند پس سوال کنید از پروردگار خود که بر شما
 بند نکند و در های دوزخ بند شده اند پس سلط کنید از ختاب بامی عزم
 کن کشا پر شما و شیاطین درین ماه غل و زخمی شویه اند پس هر خن کنید از اول تعداد
 که آنها را بر شما سلط کنید پس حضرت امیر المؤمنین عیا ایستاد و عرض کرد ای رسول الله
 فضله من اعمالین ماه چیزی پس فرمود آنحضرت که افتدلترین اعمال
 ایشان ای اجنبی پر هر یک دل از محبتات شرعاً است پس گریست رسول خدا
 عرض کرد امیر المؤمنین عیا کدام چیز حضرت را گیرید آورده فرمود که گرسی می کنم
 باین سبب که شفیقی ترین اولین و آخرین درین ماه بر قدر حالت نماز
 خفتن حضرتی خواهد زد و که دریش لوازخون مخضب خواهد شد پس
 عرض کرد امیر المؤمنین عیا که ای رسول خدا مدد وین و ایمانم سلام است
 خواهند فرمود آنحضرت ای علی باز فرمود که ای علی ہر که ترا اقتل کردم

قتل کرد و پیر که با تو دست نمی کرد با من دشمنی کرد و حکم کرد و پندران نفس من بنتی و جمی خلیفه
 چنان شیخ بنتی بر این است من و خاک توازن خاک من است در امامی و سلطنه
 از حسن بن علی علیها السلام متفق است که شخصی از یهود پیش از سوی خدا
 حاضر شده عرض کرد یا محمد ارشاد فرمایند چرا صوم سی روز بر است تو
 سعین شده بخلاف است سابقه فرمود آنحضرت صیغه آدم و قنیکه گندم
 شناول کرد تا سی روز از این در طبعن مبارک شان باقی باشد این سبب
 سی روزه سعین شد و شب که سیخون زداین لطفاً فضل فتح حرم باری تعالی هست یهودی
 عرض کرد که راست فرمودی ای محمد پیش از است در تورت من پس کیک پرینه
 روزه بیدار و جزا شیخ ایست که هفت خصلت با او عطا کرد و مشوداً قول ایشت
 که گوشت حرام اگر عجیذ ای باشند از حرام پیدا شده است تحملیل مشود دوم
 از حجت خدا نزد کیم مشود سیم روزه این ماه کفاره گناه حضرت آدم ع است
 چهارم سکرات هوت بر او آسان گرد و سخیم از تنشیگی و گرسنگی روز قیامت محفوظ
 هاند ششم سرپات از ایش و فرج حاصل کنند مفہتم از میوه های جنبت سیر گرد و
 یهودی عرض کرد که راست فرمودی شیخه نفیه در مجالس از عبد العزیز علیه
 بن عبدالمطلب که ورد که شنیدم از رسول خدا در تحقیق که جنبت از ابتدا سال
 سال آیینه آیا است که ده می شود و محسن پرای آمدن شهر رمضان پیش
 هر گاه اول شب ماه رمضان می شود یهودی از زیر عرض می فزد

که احش غیره است که بگمایی در خان و حلقه‌ای در واژه جنت را داشت
 میدانی آوازی پیچیده شد که کسی نشنید باشد و هر یان از جنت
 بیرون نمی‌آیند و پنگرها هیچ جنتی نمی‌شنیدند و ناسکنند که امیر اخواشش کس و
 از پدر و دگار عالم را بای تزویج باز سیگویند هر یان ای فضوان این کدام است
 است جواب میدهد که ای هر یان این شب لذتی هر رضوان است که در ای
 جنت برای مردمه داران است محظی صلحی شهر علی و آله کشاده اند و پدر و دگار که
 می‌فرماید ای فضوان در ای جنت را بکشند ای ماکن سوانح ای جنت
 پنهان بر زمین صائمین است محمد و ای هبیر علی زمین فرو آوشا طین
 و غل غریب خبر سپید و بینیده از آنها در دنیا عیقیق تا بهشت محظی فسا ذکر نه
 در پدر و دگار عالم در هر شب لذتی سیگویند که ای ای جنت
 او را برآورده کنند و است که تو به امن بلاقبل کنند و کسی مستفار
 کنند و است که بیا مردم او را و فرمود آن حضرت هر تحقیقل و تعالی
 هزار هزار بند و قلت افطار صوم از آتش دوزخ آزادی کند و هر گاه
 که شب جمعه و روز جمعه می‌آید در هر ساعت هزار هزار بند و آزادی کنند
 از آتش دوزخ و هر گاه که آخر روز ماه صیام می‌شود آزاد سکیندا و تعالی
 درین نهار هر قدر که در تمامی این ماه از آن کرد و است در ای ای آور و داد که
 حاکم از ای ای جعفر صادق روز ایست کرد که جناب سول خدا صلحی شهر علی و آیه کلام

هرگاه نظر بطرف ملائکه رضان سیکرد و متوجه پیش طرف مردم و میغزود که
 ای گروه مسلمین هرگاه ملائکه رضان نمایان شود و شیاطین عقیده پیشوند
 و در وازنای آسمان و حبنت کشاده کردند و در وازنای جهنم سده پیشوند
 و دعاستجاب پیشود و ادعای وقت افطار بنده ملائکه اکذاب کشند و فرج
 و فرشته در هر شب نداشکنند تا شوال آیا سالم است آیا استغفار کنند که
 هست در شب عید الفطر نداشکنند که بیان پیرایی گرفتن احری عبادت و نیز در
 کتاب مذکور اذابن عباس مذقول است که شنیده از رسول خدا که میغزد
 اگر بدانی خصیلت ماه رمضان را لذت زیاده مسکینیه نشکر خدار اهله هرگاه
 شب اول از ماه رمضان پیشود و تعالی گناهان است من پو شنیده ای اشار
 باشد می آمرزد و هزار هزار درجه پیشکنند و پنجاه شهر شناسکنند برآ ایشان
 هر روز دو هزار عرض چشم خواهند داشت که میگذرد و ثواب عبادت پیغمبر و
 ثواب روزه یک سال با وعطا میشود و روز سوم عطا کرده میشود و عرض هزار
 بدن یک قبه در بخشست از صواریق سفید که بالای آن قبه دوازده هزار
 مکان از نفوذ در زیر آن بگشین و در هر مکانی یک هزار تخت و بالائے
 هر تخت حجر حبنت و با هر کمی هزار فرشته که همه آن بامضه می باشند و
 روز چهارم عنایت کرده میشود در حبنت خلد و هفتاد هزار قصر در هر قصری
 هفتاد هزار رخانه در هر خانه پنجاه هزار تخت و پر هر تختی حرمی که بمقابل

یک هزار کتیبه که متفق آن کنیزان بیشتر باشد از تمام دنیا روز پنجم در جنت پادشاهی
 هزار هزار کاسه که در هر کار شصت هزار الوان طعام که با هم گیرشان پنهان
 روز ششم هزار هزار شهر خوار الاسلام عطا کرد و میشود و دو هزار شهری هزار
 هزار سکان و در هر کانی هزار هزار خانه و در هر خانه هزار هزار تخت از
 طلای خالص و طول هر تخت یک هزار ذراع و بالائی هر تخت خوری از
 خور عین گیسوی آن خوری هزار که آراسته باشد از مردارید و یافوت
 و هر گرسیورا صد کتیبه داشته باشد رفاقتهم ثواب شبان است که در جنت پنهان
 ثواب چهل هزار شهاد و چهل هزار صدیق عنایت کرد و میشود روز هشتاد ثواب
 عبادت شصت هزار عابد و نقصت هزار زاده عطا کرد و میشود روز نهم
 ثواب یک هزار عالم و یک هزار اعکاف کننده و ثواب یک هزار کان
 کسان که ملزم تقوی باشند روز هشتم ثواب برآوردهن قاده هزار خاتمه
 دار و برائی این صاحم آفتاب و ماهتاب و ستارگان و چهارپایه با طیور
 و درنده هاو سنگ و کلوخ و هر خشک و ترد و ماهیان دریا و پرگاهای درختان
 هم استغفار میکنند و روز نهم ثواب چهار مح و عمره که همراه بی کرد و باشد و
 ثواب هر شکر که همراه هر صدیقه نمیکرد و باشد روز دوازدهم سیات شما
 سبد محبت و حبات مهنا عفت هشتم روز نشسته میشود و عرض هر چند هزار
 هزار از صد روز سیزدهم ثواب عبارت اهل کام و عرب بیش از نیم کرد. خوش

روز چهاردهم تا اینجا نیست که گویاشما ملاقات کرد و در جانب آدم روز خود
 اپا همیشید و موسی و داود و سلیمان علیهم السلام را گویاشما عبادت کرد و بدین
 پیمانه بیت تا دو صد سال بعد روز شانزدهم بهمن می‌آمد و خواجی دین و دنیا را فتح عطا
 کرد و شیوه فتواب ایوب استغفار سکینه برای شما حاملان عرش عطا کرد
 مشیود روز قیامت چهل نفر و هزار جانب راست دو هزار جانب چهل و دهان
 پیش دوازده پسر پشت روز شانزدهم بهمن هر چهار که شما از تبور خود برآگشته خواهید
 شد در بر شما فرستت طراوی نوز بایشد و بزرگتر بجهت سوار باشید و میفرسته بر
 شما ابری که سایه کشید و محفوظ دارد از گزینی آن روز روز شفید بهمن سیکه پروردگار
 عالم آمر زیدم شمار او آبله شمار او بحصائب و تحفه های روز قیامت از شما
 و دهد کردم روز چهاردهم حکم سکینه جبرئیل و میکائیل و اسرافیل عالمان
 عرش دکترو بیان را اینکه استغفار کنند برای امت محمد تاسع آن نیست
 و عنایت کنند شمار اثواب شدادر بدند روز نوزدهم میان ملکی در آسمان و
 زمین گردان حاصل سکینه از و تعالی برای زیارت قبور شما که هر روز می‌گذرد
 هدیه و شراب همراه ایشان همیباشد روز سیتم میفرستد پروردگار عالم جانب شما
 هفتاد هزار فرشته که خطاوت کنند شمار از شر شیطان رجیم وی تو نیز برای
 شما عرض هر روزه که درین ماه گرفته اید فتواب روزه میکم صد سال پی
 در میان شما و آتش دوزخ خندق حائل می شود و عنایت می کند

شمارا نواب تسبیح عرض و کرسی و نیز عنایت سکنده نواب آن شخص
 که تورست وزبور و انجیل و فرقان خوانده باشد و میتواند برای شما عرض
 هر پری که بازوی جبرئیل است نواب عبادت کیا می‌باشد که عطا کرد و خواه
 شد و این نقد او هر کسی قرآنی هزار حجر و زکرست و یکم و سیم سیکنده قشمارا
 تا هزار فرع از ظلمت و حشت قبلان میدهد و قبور شما مشل قبور شهداد
 در دوست شما مشل روست کیوسک بن بیتوب خواهد شد روزگرست و دوم
 ملک الموت قبض روح شما مشل انبیاء خواهد کرد و از خوف نکردن و زنجی
 و خشم دنیا و عذاب آخوند محظوظ باشند روزگرست و سوم شما ها همراه این
 وحدت لقیین و شهداد از پل هراط اعجوری کنید و نواب این روزه همچین
 است گویا که همه شیخان امت ما را طعام داوید و همه پرسته ها را لیاس
 عطا کردند روزگرست و چارم از دنیا بیرون نمیروند تا اینکه مقام خود را
 در حیث نه بینند و عطا کردند میشود هر کسی که روزه داران را نواب
 هزار هزار مسافر که در طاعت خدا سفر کرده پاشند و نیز عطا
 میشود نواب آزاد کرون هزار بندہ از اولاد اسکنیل روزگرست و همچو
 بنا می فرماید حق تعالیٰ نزیر عرش هزار قبه بشر نگ که بالائیش ضمیر
 پاشند از نور و ندا می فرماید حق تعالیٰ که ای گروه جیب من بدستش
 نهم خدا کے شناوه شما ها بندہ ها و کنیز را نه من هستید قیام کنید درین

قبره او خیمه کرد زیر سایه بی عرض نداند واکمل و شرب بر شما ها گو ارا پاد و پیغ خون
 و حزن بر شما غصت لای راست جیب من فشتم بجزت و جلال خود من پیشتر
 شنید اینجنت که اولین و آخرین آن تعجب خواهند کرد و بر شما ها او هر آنچه تاج
 مسکنده از هم بر شما ها نهاده تاج نورانی و هر آنچه سوار خواهیم کرد شما ها را ناق
 نور که مهدادش از نور پاشد و دران همار هزار حلقة از طلا باشد و در هر حلقة
 لکه باشد که بیست او ستو نے باشد از نور تما اینکه داخل جنت شوید
 روز دست و ششم نظر جنت بر شما همی فرماید خلبانی عز و امیره و ملی فرز
 اگرها ان شمارا اگرچه پر نهاده از مرتبه خوبی و کذب و بیهان کرد و باشد
 مگر اینکه خون نا حق دا می مردم بزد منه شما باشد رسرو دست و نفی نهاده
 چنان باشد که اعانت کردید شما هر سومن و مئونه را ولباس پوشانید
 هزار بزمیه را و خدمت کردید هزار متقدیان را و تلاوت کردید هر کتاب
 آسمانی را روز دست و ششم و جنت خلیل هزار شهر از نور و در جنت امداد
 هزار شهر سکان از نقره و در جنت الفردوس هزار شهر و در هر شهر
 هزار هجده و در جنت جلال هزار شهر از بزمیک دور میان هزار
 خانه از زعفران دور هر خانه هزار تخت از مردارید و با وقت و بالای شهر
 حوصلے از حواله عین غایت می فرماید روز دست و ششم غایت هزار
 خدا که تمامی هزار محله که در میان هر محله قریب باشد مفید دور میان هر چهارچین

از کافو رسفید و بالا سے ہر چوتھے ہزار فرش از مندیس بیند پالائی ہر فرش
 خوبی کے سبقتاً و حملہ در بروختا صنعت اکسیو برسو ہر گریجو موزین بخوبی
 دیا قوت باشد روشنی امپس و قیمتیک روزہ سی ام بدار دو ماہ راتاں
 کندھی نویسید خدا کے تعالیٰ نے چہت ہر روز کے گذشتہ است برائے
 شما نواب ہزار شمید و ہزار صدقی و می نویسید برائے شاعرات
 پنجاہ ہزار سال و می نویسید برائے شما جہت ہر روز نواب روز
 دو ہزار روز و بلند می فرماید در جات شما مساویق صد و آنچھے ہر کو از
 دریا کے نیل روئیدہ اندو می نویسید برائے شما برارت از
 آتش روزخ و زو دگذشتن برصراط و امان از عذاب و حیث
 درست مسمی بریان تار فرز قیامت کشادہ نمی شود و کشا و نیتو
 برائے ہر زن و مرد صائم ازانت محمد و ندا می کند رضوان
 اے امت محمد شبابی کنیہ بسوے ریان و خباب سو چنان
 می فرماید ازین فروازہ امت من داخل حب خواہ شد من کیکہ
 گناہش فرین باہ آمر زیدہ نشده پس کی آمر زیدہ می شود عجلت
 و غایت صوہ محمد بن علی پیغمبر می باشد خود از امام عصر صادق
 از عجلت صوم سوال کر دی پھر مو در درگار عالم را صوم رواجی کر دانید
 تاکہ امر اوقار مساوی باشد زیرا کہ اعفیا با اختیار غور گر سنگی و تسلیمی نیک شد

با برقرار حکم کند زیرا که خنی هرگز کاهار اراده می کند بجزی را پس فوراً بیشتر
 پس از دو گاه عالم صوم را پایم و غرسی اجنب کرد تا بر این شدید هررو و خنی از شفت
 جمع و عطش و اقفال شده برقرار و مساکین نظر اطف و حکم کند و زاده از
 از خباب صادق هررو ایت کرد که برای هر خنی کوته است لذا کوقدان روزه است
 و در حل بیت صحیح از حضرت رسول خدام در جواب سوالهای
 محمد راشتہ اند در علت روزه داشتن که از حست آنست که باید تعکشگی
 توشنگی را و بسبب آن نفس اماره و لیل شود چون قوت او از شهوت
 است و متضرع شود و چون فرمان آلسی بجا آورد و داشت تواب پاید
 و قرباً آنی خاصل شود و عادت کند نفس اماره بصیر و منها کی کند بجزیهای آخوند
 چراکه شهوت انکل و شر عاصل می شود و بسبب خود و خنی هی شود که توکش شیوه و میزند
 او باشد در دنیا و زنها باشد برگشگی روز قیامت و در صور
 علاوه فضیلت فخریه و مشهبات آفرودی عقل آنیز فوائد عدیده باقی شنید
 کیکه آنکه باعث انکسار شهوت نفسانیه و از تفلاح از درکات بجهنم
 بدرا جات بلکه می شود و دو حکم اینکه نسبت با مراندک حال قرار بگرد و دو حکم
 است که حضرت یوسف در ایام تحطی و خشک سال فاقه میکرد حال ضعف
 و نسا و رجال پیش از ظهر شد یومه باشد و جناب ایام المؤمنین می فرمود
 و کیف آشیان و حولی بخطون عکسی شدینه چکونه پیش از مردن جان پیکر گرد

و پیش از گردن گرسنه باشد تا هر چنان که بعثت حکمیتی سوا ایام است ازین بین بدبختی احمد
 و نور را با حدیث تقدیر کنید که احمد رحمه السلام را عموماً چنین تقدیر و خالق پروردگار آنست
 و گرگنگی در ذوقیا است می باشد تا چشم و نفس صاحب حکم ندانند و سکنه ای پیدا نمایند که موجب خسوس
 و خسوس در وقت عطاش و جوع و سبب تبلیغ و جوع بخالق خودش شود و تجربه بسید رضا
 که اخیر حال گرگنگی در جودت فکر و لذت ذکر و شوق مناجات بدرگاهه قاضی حاجی
 پیباشد در وقت پیش از شروع و در پیان حقیقت هموم ملا احمد روحانی در زیده
 نوشت که روزه محبارت است از باز و شتن فضلان از اقدام اهل فطرات باقی است
 از طلوع صبح صادق تا غروب شمس و هنگام در قرآن مجید باری
 می فرماید کلو ادا شرک و احتی پذیری کن لکن الحیط لا کویض من
 الحیط لا کسو د من الْفَجِيرَ مَلَا (محمد تقی مجلسی در درویش
 در شان زول این آیه از حضرت امام محمد باقر ع او ره که فرمود که خضرت
 کوئی فرماید از تحاله که بخورید و بیان شاپیش تا ظاهر شود بیان
 شنیدن از دیسان یا امکن بیان شنید صبح ایام و ظهور ش صبح صادق
 است حضرت فرمودند که این آیه جبت خواست بن خنیبر او را علی بدش
 بن خنیبر که در خنگ احمد شدید شد نازل شد و از انصار بود و در
 کنده خندق کار میکرد و روزه میداشت و شب چنیز بر سرخورده
 بیو و چنان بود که قبل از زول این آیه اگر کسے سخواب هی رفت

خوردن برا و حرام بود و چون روز در خندق کار کرده بود وقت شام نباشد
 و گفت طعام دارید ایشان گفتند بخواب مرقا طعام می دهیا کنید و تکیه
 کرو از صفت خواهش برداشتهش گفتند خواب رفته گفت بلطف و حیرت
 خور و چون صحیح شد و بکار خندق آمد کار می کرد و ساعت بساعت
 غش می کرد و پس حضرت سید ابرار برای او گذشتند و دیدند که چپین را
 داد و از حال او پسیدند حال خود را با حضرت عرض نمود حق سیحان لعل
 آن آیه را فرستاد که در تمام شب بخوردید و بیاشا میدن اخطا هشود صحیح
 ازان روز این حکم جاری شد در درس ابیان مفطرات صور
 و آن هفت چیز است اول وسم هزار و آشامیدن معتاد یا غیر
 معتاد و مراد از اکل و شرب اینست که چنینی از حلق فرو رود
 سوم هم جماع مراد ازان اینست که حشفه در قبل یا در پرآدمی یا غیر
 آدمی داخل شود هچهارم استمنا و آن اینست که منی غیر جماع بروند
 پدرست یا به بازی بزن وغیر آن تجھیم غبار با جلتی فرو بودن خواهد غلظت
 باشد یا نه مثل آرد و غیره و مراد از حلق مخرج خام می مجری است و بعض
 است که قید غلظت از شتر اند مثل دروس وزبرده و چه شرطی نباشد و هرست و در
 کتاب کبار یافته نمی شود زیرا که صاحب شرح مسجد احمد بن حیان می باید
 فرموده که قید غلظت از بعض عبارات مستفاد می شود و چهیش معمول

شش مرخصیات عده ایا تی ماندن تا صبح صادق و قیمی که ب شب علی حجت
 شده باشد مفهوم اگر کسے جنب شود و بیدار شود و باز بخواب رود پنجه
 غسل و بیدار شود و باز بخواب تا نیکم پار سوم بخواب تا صبح صادق درین
 مفهولات هنگاهانه قضایا و کفاره هر دو لازم است و گفتاره ما و
 رضان آزاد کردن سنده یا حصوم شریعه متبا عین یا اطعام
 شخص ساکین است بعضی می گویند که درین هر سه کفاره اختیار
 وارد هر کدامی را که خواهد عمل آرزو و بعضی می گویند که ترتیب واجب
 است یعنی اگر از آزاد کردن سنده مجبور باشد روزه دو ماہ پیش از
 بگیر و اگر ازین هم مجبور باشد اطعام کند و بعض می گویند که اگر از حرام
 افطار کند تمامی کفارات ثلثه العمل آرد و چوبی و اگر از حلال افطار کند
 یک کفاره واجب است مسئله در فرع بین رجایه و رسول و ائمه
 علیهم السلام بر حساب وغیر آن حرام است و در باب صائم کنید
 وارد شده لایکن نزدیک اشهر اینست که موجب قضایا و کفاره نیست
 مسئله اینها سریعی سریاب فرمودن حمد بر حساب حرام است لایکن
 قضایا و کفاره برآ و واجب نیست **کما صور حربه المستحبة للتحريم**
في شرعا يحرم الاسلام و شهيد اول مكتاب درون فاعل به فحشاء
 کفاره شده اند روز و حقه پیش قول احوط است مسئله حقنه کردن

اگر شی جامد که دل اصطلاح اطباق شیاف گویند جائز است مگر از شی زن
جائز نیست و موجب کفاره است مسئلله عدالتی کردن موجب
قضای است نکفاره و اگر از خود بیاید موجب قضای کفاره نمی باشد
و خباب مفتی سید محمد عباس صاحب مرحوم و مخمور مفطرات را دین
اعشار حجیح کرده اند و آن آنست

خرشاد کسے که زدای چیز کف لفس کند	روزه که اسلام را پروردست پنا
زائل و شرب و جماع و زارت ماس و عنایار	زق و حقنه بقا برخاب است
برین قیاس بود کذب بر خدا و رسول	که حرمت است برایش بخیر است

دو هفت امر قضای بدن کفاره واجب می شود اول مفطر ای یعنی درون پیش از رعایت کردن صحیح صادق با وجود میزبان قدرت داشته باشد و نکند و هم اقطاع کردن بر قول منجیز که صحیح نشده است حالانکه صحیح شده باشد و این خود صادر نشوند وقت قدرت داشته باشد و هم اقطاع کردن پیش از عزوب آفتاب بسبب تاریکی ابر و غیره که موسم در آمدن شب باشد چهارم
--

فروختن آب در حلق اسباب مضمضة که برآمی خشکی کرده باشد تا
 وضوی کے واجب یا تطهیر وغیره پنجم و پاره خواب کردن حتب
 ناصیح هرگاه اراده غسل اشته باشد ششم نظر دن بجانب
 تا محرم لشبوت که منی بیرون آید هفتم افطار کردن هجدهم کسے که
 می گویند شب شده است بعد آن خلاف ظاهر شود مسئلہ
 آگر کسے نسبت مرض مضمضة و واسی کند لیس فروود در حلق
 روزه اش باطل نی شود و اگر بطریق عیش کرده است قضا
 واجب است مسئلہ چیز که که از بیخ دندان بیرون
 آید فروود نش بطل صوم است و اگر سهوا فروود بیخ چیز
 نیست مسئلہ چیز که که بغير حلق فروود سوای حقنه
 چیز روان مثلاً بجهت زخم نیزه وغیره که بشکم برید و سوراخ
 شود که بدر لعیه آن چیز که در شکم برید و بطل نیست مسئلہ
 از فروود رون آب دهن و آب بینی تا وقتیکه از دهن بیرون نیامد
 باشد روزه باطل نی شود اما رطوباتی که از رمل غبار نیز
 آنرا بقصد از حلق فروود بطل است و اگر بدرون قصد بحلق رود
 بیخ چیز واجب نیست مسئلہ آگر کسے صحیح کند و در نیش چیز
 از طعام باشد می باید که آنرا بیند از دو اگر عمد از فروود قضا و کفاره نه فر